

تقديم به
روح پرفتح بنیان گذار انقلاب اسلامی؛
خمینی بت شکن علیه السلام
وارواح طیبه شهدا؛
علی الخصوص طلبه شهید «احمد مکیان»

میرشناسه: مجدلی، عبدالله، ۱۳۶۵-

عنوان و نام پدیدآور: نگاه دوم: نگرشی نوبه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر منظومه تمدنی مقام معظم رهبری /
مولفین عبدالله مجدلی، مرتضی هاشمی.

مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۳۴۴ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۱-۰۴۶-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: نگرشی نوبه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر منظومه تمدنی مقام معظم رهبری

موضوع: خامنه‌ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -- دیدگاه درباره انقلاب اسلامی

موضوع: Views on Islamic Revolution -- Khamene'i, Ali, Leader of IRI, ۱۹۳۹ -- دیدگاه درباره انقلاب اسلامی

موضوع: خامنه‌ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -- دیدگاه درباره جمهوری اسلامی ایران

موضوع: Views on Islamic Republic -- Khamenei, Sayyed Ali, Leader of IRI, ۱۹۳۹ -- دیدگاه درباره جمهوری اسلامی ایران

موضوع: خامنه‌ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -- پیام‌ها و سخنرانی‌ها

موضوع: Khamenei, Sayyed Ali -- Messages and speech

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷

موضوع: History -- Islamic Revolution -- Iran, ۱۹۷۹

شناسه افزوده: هاشمی، مرتضی، ۱۳۷۵-

شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. دفتر نشر معارف

رده بندی کنگره: DSR ۱۶۹۲

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۶۰۷۱۴۹۰

نگرشی نو به بیانیه

گام دوم انقلاب اسلامی

مبتنی بر منظومه فکری

مقام معظم رهبری مد ظله



نگرشی نو به بیانیه

گام دوم انقلاب اسلامی

مبتنی بر منظومه تمدنی

مقام معظم رهبری علیه السلام

تهیه شده در: کانون اندیشه انقلابی
مولفان: عبدالله مجدمی، مرتضی هاشمی

با همکاری جمعی از پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی:
توفیق البوغییش، سید محمد موسوی، سید ضیاء موسوی،
محمد جراحی مقدم، حسن شواهدی، مرتضی عسکوری

ناشر: نشر معارف

طرح جلد: محمدصادق پوروهاب | صفحه آرا: سیدمهدی حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه | نوبت چاپ: اول / زمستان ۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۱-۰۴۶-۵

قیمت: ۳۵,۰۰۰ تومان

دفتر نشر معارف قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۰۰۴

مدیریت پخش قم، شرکت پاتوق کتاب، تلفکس: ۰۲۵-۳۱۰۷۷۲

اطلاع از نمایندگی‌های سراسر کشور در سایت دفتر نشر معارف

www.nashremaaref.ir | E-mail: info@nashremaaref.ir



کانون اندیشه انقلابی



نشر معارف

۱۹	پیشگفتار.....
۲۱	نقطه‌ی شروع کتاب.....
۲۲	نحوه‌ی نگارش کتاب.....
۲۳	مقدمه.....
۲۳	دو سطح اندیشه‌ی مقام معظم رهبری علیه السلام
۲۴	دو نحوه‌ی نگرش در تحلیل سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام
۲۷	لزوم تفسیر سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام بر اساس مبانی فکری ایشان.....
۲۸	لزوم فهم نظام‌مند سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام
۲۸	روش نیل به (هدف) راهبردی تألیف کتاب.....
۳۰	دو شاخصه‌ی رویکرد تبیینی.....
۳۱	دو سطح رویکرد تبیینی.....

فصل اول

منظومه تمدنی مقام معظم رهبری | ۳۳

۱. مراحل پنجگانه تشکیل تمدن اسلامی..... ۳۵

۲. اهمیت انقلاب و راز حساسیت دشمن نسبت به آن ۳۹
- الف) سرمایه‌ها و منابع سرشار مادی و معنوی ایران و جهان اسلام ۴۰
- ب) گفتمان کامل فرهنگ اسلامی ۴۱
۳. اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ۴۳
۴. الزامات تشکیل تمدن اسلامی ۴۷
- الف) تشکیل دولت اسلامی ۴۷
- ۱) بسط عدالت ۴۸
- ۲) جهاد در راه خدا مقابل دشمنان داخلی و خارجی ۴۸
- ۳) برقراری نظام اقتصادی مستحکم ۵۰
- ب) استقلال همه جانبه (فرهنگی، سیاسی، علمی، اقتصادی و...) ۵۱
- ج) جهاد همه جانبه (علمی، نظامی، اقتصادی، سیاسی و...) ۵۲
- د) تئوری پردازی در زمینه‌ی علوم انسانی ۵۳
- ه) تربیت نیروی کارآمد برای اداره‌ی دولت اسلامی ۵۵
۵. جایگاه جوانان در تشکیل «تمدن اسلامی» ۵۶
۶. وظایف جوانان انقلابی ۵۷
- الف) علم و تخصص ۵۸
- ب) ایمان ۵۸
- ج) بصیرت ۵۹
- د) همت بلند ۵۹
- ه) تلاش جهادی در همه‌ی عرصه‌ها ۶۰
- و) امید به آینده ۶۰

فصل دوم

هویت و جایگاه انقلاب اسلامی ایران | ۶۵

۶۷	یک چله بدون خیانت به آرمان‌ها
۶۷	نظریه غربی روی گردانی نسل سوم از انقلاب
۶۹	خودسازی ساختاری
۷۱	راز ماندگاری انقلاب اسلامی ایران
۷۳	عصر انقلاب اسلامی
۷۳	شکستن چهارچوب‌های بین‌المللی
۷۶	باطل شدن نظریه‌های سیاسی - اجتماعی غرب
۷۷	افول نظام استکبار جهانی و عوامل آن
۸۱	شعارهای بدون تاریخ مصرف انقلاب
۸۱	عوامل مرگ و زندگی یک انقلاب
۸۴	نظریه نظام انقلابی
۸۴	انعطاف آری، انفعال نه!
۸۶	نظامی گره خورده با ایمان مردم
۸۷	تجدید نظر، لازمه دولت سازی
۸۸	جوشش انقلابی، توأم با نظم سیاسی
۹۰	بقای انقلاب، چرا و چگونه؟
۹۰	فاصله بین پایبندی به اصول و تحجّر
۹۲	اصول انقلاب اسلامی
۹۳	فاصله باید‌ها و واقعیّت‌ها
۹۴	نقش جوان مؤمن انقلابی
۹۵	نسل جوان مؤمن و دانا

- ۹۸ انقلاب اسلامی، مقتدر مظلوم.
- ۹۹ انقلاب بدون افراط.
- ۱۰۱ دفاع، نه تهاجم.
- ۱۰۳ انقلاب اسلامی، پناه مستضعفان.
- ۱۰۴ انقلاب اسلامی و ایرانی.

فصل سوم

گذشته و مرارت‌های انقلاب اسلامی ایران | ۱۰۷

- ۱۰۹ گذشته، چراغ راه نسل جوان.
- ۱۰۹ جوانان مسئول ساختن آینده.
- ۱۱۰ جهاد بزرگ.
- ۱۱۲ گذشته چراغ راه آینده.
- ۱۱۴ تحریف و دروغ پردازی دشمن.
- ۱۱۴ تلاش برای فراموشی و تحریف.
- ۱۱۶ پیاده‌نظام دشمن.
- ۱۱۸ همه چیز علیه انقلاب بود.
- ۱۱۹ رژیم پهلوی، رژیم وابسته مستبد فاسد.
- ۱۲۱ آمریکا و برخی دولتهای غربی.
- ۱۲۲ ۱. کمک به حرکت‌های تروریستی.
- ۱۲۳ ۲. تصرف دارائی‌های ایران.
- ۱۲۳ ۳. چراغ سبز به صدام و کمک به او در جنگ با ایران.
- ۱۲۴ ۴. شلیک به هواپیمای مسافربری ما.
- ۱۲۴ ۵. اهانت به ملت ایران.

۶. آشفته‌سازی امنیت منطقه ما به خاطر دشمنی با جمهوری اسلامی ... ۱۲۵
۷. تهدید نسبت به ملت و مسئولین ایران ۱۲۵
۸. تحریم ما به قصد دشمنی ۱۲۶
- وضع نابسامان و سالها عقب افتادگی ۱۲۶
- اولین درخشش انقلاب، بدون هیچ تجربه ای ۱۲۹
- ماهیت اسلامی انقلاب ۵۷ ۱۲۹
- ترکیب واقعی جمهوریت و اسلامیت ۱۳۲
- ابزارهای تشکیل و پیشرفت نظام ۱۳۳
- «جمهوری اسلامی» اولین درخشش انقلاب ۱۳۴
- نقش امام راحل علیه السلام در تشکیل نظام اسلامی ۱۳۵
- علّت نام بردن از قیامهای مارکسیستی ۱۳۵
- آغاز دشمنی‌ها با انقلاب اسلامی ۱۳۹
- پیچ بزرگ تاریخ ۱۳۹
- انقلاب، روزنه امید تمام مبارزان مسلمان ۱۴۱
- علّت کینه نظام استکبار از انقلاب ۱۴۲
۱. منابع سرشار مادی و معنوی ۱۴۳
۲. گفتمان فرهنگی غنی و کامل ۱۴۴
- تأکید بر نقش امام راحل علیه السلام در شکل‌گیری انقلاب ۱۴۵
- «ما می‌توانیم» رمز پیشرفت ۱۴۶
- قدرت و کارآمدی انقلاب ۱۴۶
- «ملت» موتور پیشرفت انقلاب ۱۴۸
- «مدیریت جهادی» و «خودباوری ملی»، عوامل پیشرفت ۱۴۹

فصل چهارم

دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران | ۱۵۱

۱۵۳	انقلاب اسلامی، پایان انحطاط و تحقیر
۱۵۳	تبیین بعضی از آثار انقلاب
۱۵۴	براندازی نظام شاهنشاهی
۱۵۵	مردم سالاری واقعی
۱۵۵	جوان‌گرایی انقلاب اسلامی
۱۵۶	تزریق خود باوری ملی
۱۵۸	دو عنصر پیشرفت ملی
۱۵۸	۱. اراده ملی، جان مایه پیشرفت
۱۵۸	۲. تحریم، یک فرصت
۱۵۹	عقب ماندگی شدید ایران قبل از انقلاب
۱۶۱	ضمانت ثبات و امنیت
۱۶۱	امنیت و ثبات، مهم‌ترین دست آورد انقلاب
۱۶۲	تجربه دفاع مقدس
۱۶۶	پیشرفت علمی فناوری، و زیرساختی
۱۶۷	شتاب حرکت علمی
۱۶۷	رشد علمی هم نتیجه خودباوری است
۱۶۸	«ترجمه زدگی» ره‌آورد استعمار
۱۶۹	خود آگاهی دینی و انقلابی، منشأ پیشرفت
۱۷۲	مردم سالاری دینی
۱۷۲	نقش مردم در نظام اسلامی
۱۷۵	نقش مردم در خنثی سازی فتنه‌ها و دشمنی‌ها

۱۷۶	مسابقه خدمت رسانی
۱۷۸	افزایش سطح بینش سیاسی مردم
۱۷۸	همدستی ناآگاهی و روشن فکری بیمار
۱۸۰	آگاهی همه جانبه ملت
۱۸۱	روشن فکران عزلت نشین
۱۸۳	عدالت بی سابقه
۱۸۴	وجود عدالت بی همتا، ولی نه کامل
۱۸۶	گوهر بی همتای عدالت
۱۸۷	نزد خدا و خلق
۱۸۸	معنویت هم چون صدر اسلام
۱۸۹	معنویت، از مهم ترین اهداف حکومت اسلامی
۱۹۱	علل رشد معنویت در نظام اسلامی
۱۹۲	تأثیر حاکمان بر مردم
۱۹۲	حرکت برخلاف سیل فساد اخلاقی
۱۹۴	وضعیت اسفبار اخلاق در غرب
۱۹۶	ایستادگی در مقابل استکبار
۱۹۷	استکبار ستیزی، هویت انقلاب
۱۹۷	اعتراف جبهه استکبار به شکست
۱۹۸	اخراج دست نشانده استکبار
۱۹۹	مقاومت چهل ساله انقلاب اسلامی
۲۰۰	فضای حیات بخش انقلاب

واقعیت‌های انقلاب اسلامی ایران | ۲۰۳

۲۰۵	محصول تلاش چهل ساله
۲۰۶	استقلال و آزادی
۲۰۷	اقتدار
۲۰۷	عزت ملی
۲۰۷	تدبیر
۲۰۸	پیشرفت علمی و ثبت رکوردهای جهانی
۲۰۹	تجربه‌های گران بها
۲۱۰	امید و اطمینان
۲۱۰	تأثیرگذاری منطقه‌ای و جهانی
۲۱۰	منطق قوی انقلاب
۲۱۱	خدمات اجتماعی
۲۱۱	نیروی جوان جهادی و کارآمد
۲۱۲	نقش جهت‌گیری انقلابی و جهادی
۲۱۳	آسیب غفلت از جریان انقلابی
۲۱۵	مقابله مستمر نظام اسلامی و استکبار
۲۱۶	تغییر معادلات
۲۱۷	دشمنی با نقش‌آفرینی جهانی انقلاب
۲۱۹	ادامه راه، مسئولیت جوانان
۲۱۹	مسیر پیش رو
۲۲۰	لزوم حضور جوانان
۲۲۱	تفکر و روحیه انقلابی و عمل جهادی جوانان

۲۲۲	ادامه مسیر آسان تراست
۲۲۴	مهم‌ترین ظرفیت ایران اسلامی
۲۲۵	غفلت از ظرفیتهای ملی
۲۲۷	نیروی انسانی جوان مهم‌ترین سرمایه
۲۲۸	نیروی انسانی کارآمد
۲۳۰	ظرفیتهای مادی کشور
۲۳۱	بیشترین ظرفیتهای دست نخورده

فصل ششم

مأموریت جوانان مؤمن انقلابی | ۲۳۵

۲۳۷	امید، نخستین توصیه به جوانان
۲۳۸	لزوم امید برای جوانان
۲۳۹	امید صادق
۲۳۹	تلاش دشمن برای القای یأس
۲۴۱	جهاد در تزریق روحیه ی امید به جامعه
۲۴۳	جوان ایرانی
۲۴۳	رویشها بیش از ریزشها
۲۴۵	علم، آشکارترین وسیله قدرت
۲۴۶	اقتدار علمی
۲۴۷	سوء استفاده از علم
۲۴۹	فقر اخلاقی غرب با وجود علم
۲۵۰	سلطه فرهنگی، مقدمه سلطه اقتصادی-سیاسی
۲۵۲	تولید علم

۲۵۴	بومی سازی علوم
۲۵۴	استعداد ایرانی
۲۵۵	پیشرفت علمی در تحریم علمی
۲۵۶	نعمت بزرگ الهی
۲۵۷	هنوز اول راهیم
۲۵۸	عقب ماندگی دوره های قبل
۲۵۹	همچون یک جهاد
۲۶۱	معنویت و اخلاق
۲۶۲	معنویت
۲۶۳	ترویج معنویت جهاد است
۲۶۴	علم همراه با تهذیب
۲۶۶	معنویت هدف تمدن اسلامی
۲۶۶	برکات معنویت در جامعه
۲۶۸	مهم ترین وظیفه ی حکومت اسلامی
۲۶۹	راه های ترویج معنویت و اخلاق
۲۷۲	سلاح های خطرناک استکبار
۲۷۲	بمباران رسانه های مخرب
۲۷۳	مقابله با جنگ نرم
۲۷۶	اقتصاد، یک نقطه کلیدی
۲۷۶	اهمیت مسأله اقتصاد
۲۷۸	تأثیر اقتصاد حتی بر معنویت
۲۷۹	راهکارهای پیشرفت اقتصاد
۲۷۹	۱. تولید با کیفیت انبوه ملی

- ۲۸۰ ۲. توزیع عادلانه ثروت و منابع عمومی
- ۲۸۰ ۳. اصلاح الگوی مصرف ملی
- ۲۸۱ ۴. به کارگیری مناسبات خردمندانه‌ی مدیریتی
- ۲۸۳ چالش‌های اقتصاد کشور
- ۲۸۳ ضعف عملکرد باعث چالش درونی و بیرونی اقتصاد
- ۲۸۴ چالش برونی اقتصاد
- ۲۸۵ چالش درونی اقتصاد
- ۲۸۹ آسیب‌شناسی اقتصاد کشور
- ۲۸۹ وابستگی اقتصاد به نفت
- ۲۹۰ اقتصاد دولتی
- ۲۹۱ عدم توجه به ظرفیت داخلی کشور
- ۲۹۲ کم توجهی به نیروی انسانی
- ۲۹۲ بودجه‌بندی معیوب
- ۲۹۳ عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی
- ۲۹۳ رعایت نکردن اولویت‌ها
- ۲۹۴ هزینه‌های زائد
- ۲۹۵ راه‌حل مشکلات اقتصادی
- ۲۹۶ عمل به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی
- ۲۹۶ الف) درون زائی اقتصاد کشور
- ۲۹۷ ب) مولد و دانش بنیان شدن آن
- ۲۹۷ ج) مردمی کردن اقتصاد و عدم تصدی گری دولت
- ۲۹۸ د) برون گرایی مبتنی بر توان داخلی
- ۲۹۹ مدیریت جهادی پرنشاط و متعهدانه در سطح دولت

۳۰۰	 نسخه‌ی غلط
۳۰۴	 عدالت، مایهٔ مشروعیت نظام
۳۰۴	 لازمه‌ی عدالت، مبارزه با فساد
۳۰۵	 شعار واهی عدالت در نظام لیبرال
۳۰۶	 فساد، باعث زوال مشروعیت
۳۰۷	 مشروعیت در نظام اسلامی
۳۰۸	 دستگاه‌های دولتی، اولین مسئول مبارزه با فساد
۳۰۹	 اهمیتِ قوه قضائیه
۳۱۰	 کم بودن فساد در جمهوری اسلامی
۳۱۰	 وجود فساد موردی
۳۱۳	 «طهارت اقتصادی» و پیشگیری از فساد
۳۱۴	 جهادِ مبارزه با فساد
۳۱۵	 استمداد از خدا در دوری از مفاسد
۳۱۷	 عدالت، هدف همه بعثت‌های الهی
۳۱۸	 عدالت، شعاری مقدس و همه‌گیر
۳۱۹	 فریضه‌ای بر عهده همه
۳۲۰	 توطئه واژگون نمایی
۳۲۱	 نگاه مثبت اسلام به ثروت
۳۲۲	 مشکل اصلی در مسأله‌ی عدالت
۳۲۳	 استقلال و آزادی، دو عطیه الهی
۳۲۴	 تلازم استقلال و آزادی
۳۲۴	 آزادی ملی و اجتماعی
۳۲۶	 نعمت الهی نه تفضّل دولتها

- ۳۲۷..... مجاهدت، رمز استقلال و آزادی
- ۳۲۸..... واقعیتی غیر قابل انکار.....
- ۳۲۹..... دولت موظف به حراست از استقلال و آزادی است.....
- ۳۳۰..... دو تفسیر غلط.....
- ۳۳۲..... عزت، حکمت، مصلحت.....
- ۳۳۳..... دو نسخه متفاوت برای سیاست خارجی.....
- ۳۳۳..... ۱. نسخه‌ی جریان انقلابی.....
- ۳۳۴..... ۲. نسخه‌ی جریان لیبرال.....
- ۳۳۵..... روش‌های مقابله با نظام سلطه.....
- ۳۳۵..... ۱. حفظ مرزبندی دقیق با اردوگاه دشمن.....
- ۳۳۶..... ۲. نه‌راسیدن از تهدیدهای پوچ دشمن.....
- ۳۳۶..... ۳. در نظر گرفتن عزت کشور و ملت خویش در همه‌ی احوال.....
- ۳۳۶..... ۴. حل مشکلات قابل حل خویش با دشمن از موضع حکمت، عزت، مصلحت و عمل انقلابی.....
- ۳۳۷..... ۵. عدم عقب نشینی از ارزشهای ملی، دینی و انقلابی خویش.....
- ۳۳۸..... مذاکره با آمریکا.....
- ۳۴۰..... اهمیت سبک زندگی.....
- ۳۴۰..... «ترویج سبک زندگی غربی»، مهم‌ترین هدف دشمن.....
- ۳۴۲..... تأثیرپذیری سیاست و اقتصاد از فرهنگ.....
- ۳۴۳..... جهاد فرهنگی.....
- ۳۴۳..... سلام خاص به جوانان.....

پیشگفتار

بیانیه‌ی گام دوم را می‌توان از مهم‌ترین اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران دانست. گرچه در کشور ما هنوز جایگاه قانونی این بیانیه در عرصه‌ی مدیریت کشور، به صورت دقیق تعریف نشده است اما برای کسانی که آشنایی عمیقی با مبانی رهبران انقلاب اسلامی ایران خصوصا مقام معظم رهبری دارند جایگاه این بیانیه غنی از تعریف است.

البته نویسنده انتظار پی‌گیری تحقق یافتن مطالب بیانیه از جانب برخی از مسئولین لیبرال و غیرانقلابی، را ندارد زیرا هنگامی که می‌بینیم اسناد بالا دستی مهمی همچون سیاستهای کلی انتخابات، سیاستهای کلی آموزش و پرورش و غیره (که اتفاقا دارای جایگاه قانونی تعریف شده‌ی بسیار روشنی می‌باشند) این چنین در روز روشن، دچار بی‌مهری آنان می‌شود، حال و روز بیانیه‌ی مهمی همچون بیانیه‌ی گام دوم (که فاقد پشتوانه‌ی مزبور است) بسیار واضح می‌باشد. به نظر می‌رسد راز تأکید چند باره مقام معظم رهبری در این بیانیه بر «جوانان» دقیقا همین مطلب باشد؛ چه اینکه از منظر ایشان برخی از مسئولین کشور، بارها نسبت به بیانیه‌های این چنینی امتحان ناموفق خود را پس داده‌اند. علاوه بر آن، اساسا هیچگاه با افکار نشأت گرفته از مبانی فکری غربی نمی‌توان به عمق بیانیه‌هایی همچون بیانیه‌ی گام دوم رسید. کما اینکه به هیچ عنوان نمی‌توان در قالب نظام

مدیریتی لیبرال غربی به پیگیری عملی آن به صورت جدی پرداخت، زیرا مبانی فکری و اهداف عملی و اهداف این بیانیه در تضاد آشکاری با مبانی و اهداف آن نظام سیاسی - اجتماعی قرار دارد.

اکنون که روشن شد فهم و پی‌گیری عملی بیانیه‌هایی از این دست، تنها برای یک شخص و مسئول انقلابی امکان پذیر است، اینک ما جوانان انقلابی هستیم و آرمان تحقق یافتن اهداف این بیانیه‌ی بسیار مهم. و شایسته بلکه بایسته است که هر کدام به سهم خویش قدمی در این راستا برداریم. طبعاً هیچ انتظاری نیست که همه‌ی نیروهای جوان انقلابی کشور به طرز همسان به این ندای مقام عظمای ولایت لبیک گویند اما آنچه لازم است این است که هر کدام از آنها متناسب با سطح معرفت خویش از این بیانیه و نیز متناظر با عرصه‌ی تخصص خود به تحقق عملی اهداف آن اقدام نماید.

به نظر ما یکی از مهم‌ترین کارها در این زمینه (که متناسب با عرصه‌ی تخصص نیروهای فرهنگی است) فهم عمیق و تبیین دقیق بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در این بیانیه است زیرا همانگونه که ایشان فرموده اند:

«من این را به شما جوانانی که احساس مسئولیت می‌کنید... عرض می‌کنم که تبیین خیلی اهمیت دارد. در مبارزات اسلامی در همه حال تبیین، بیان واقعیت و رساندن واقعیت، تبلیغ، بلاغ، خیلی اهمیت دارد و این را نباید از دست داد برخلاف تفکر مارکسیستی که آن روز رایج بود و اعتقاد به تبیین نداشتند، می‌گفتند: مبارزه یک سنت است، تحقق خواهد یافت، چه شما بخواهید، چه نخواهید، چه بگویید، چه نگویید... روش اسلامی تبیین است و همین تبیین‌ها موجب شد که انقلاب اسلامی بر بسیاری از این پیش زمینه‌های تاریخی و تربیتهای غلط فائق بیاید و فائق آمد.»^۱

براین اساس است که ما به جد معتقدیم تا وقتی که تبیین دقیق و عمیقی از مطالب این بیانیه حداقل برای «جوانان مؤمن انقلابی» (که مخاطبان ویژه آن هستند) صورت نگیرد نمی‌توان دل به تحقق عملی اهداف آن سپرد. البته این به معنای تمام العله بودن مسأله‌ی «تبیین» و «تبلیغ» این بیانیه برای تحقق اهداف آن در عرصه‌ی واقعیت نمی‌باشد، بلکه تنها ناظر به اهمیت و بلکه تقدم آن بر سایر کارهای ضروری دیگر است. و قطعاً مدیریت و عمل مناسب جوانان مؤمن انقلابی در راستای تحقق اهداف این بیانیه، نقش تأثیرگذار و ویژه‌ی خود را دارد.

نقطه‌ی شروع کتاب

نگارنده به عنوان یکی از جوانان این مرز و بوم در تابستان سال ۱۳۹۸ و همزمان با ایام تبلیغی این فصل، به پیشنهاد برخی از جوانان مؤمن انقلابی شهرک طالقانی شهرستان ماهشهر، به تدریس و شرح بیانیه‌ی گام دوم پرداختم. گرچه دست تقدیر الهی فرصت شرح تنها بخش کوچکی از بیانیه را روزی ما کرد اما با توجه به اهمیت مسأله و نیز علاقه‌ی نویسنده به اتمام این کار نیمه تمام شروع شده، دست به قلم شده و در مدت کمتر از یک هفته بقیه‌ی فرازهای بیانیه مورد شرح اولیه قرار گرفت.

طبیعی است که شرح اولیه قابلیت عرضه شدن به عنوان یک اثر فاخر و نفیس به مخاطبان فهیم ما را نداشت از این رو نگارنده نه در صدد چاپ و نشر آن بودم و نه در صدد بازنویسی مجدد کاملتر آن، اما با همت برخی دیگر از جوانان طرح تکمیل این شرح اولیه به صورت جدی پیگیری شد و حاصل تلاشهای چند ماهه‌ی شبانه روزی این جوانان کتاب پیش رو است. به رسم حق و انصاف باید اذعان کنم که اگر تلاشهای این دوستان در زمینه‌های مختلف اعم از یافتن منابع سخنان مقام معظم رهبری (که بخش اصلی کار بود)، و نیز پی‌گیری‌های میدانی

برای چاپ و نشر آن نبود تقدیر الهی نسبت به چاپ و نشر این کتاب رقم نمی‌خورد و قهراً کتاب پیش رو به عرصه‌ی ظهور نمی‌رسید.

نحوه‌ی نگارش کتاب

کتاب پیش رو زاینده‌ی دغدغه‌ی مقدس و دلشوره‌ی مبارک در زمینه فهم درست و عمیق بیانیه گام دوم است. این کتاب در عین سادگی ظاهری خویش، دارای عمقی نسبی است. سعی بلیغ ما در کتاب پیش رو بر این بوده است که از به کارگیری اصطلاحات علمی پرهیز شود و البته این صرفاً برای رعایت حال مخاطب کتاب است زیرا همانگونه که روشن شد، هدف راهبردی این کتاب ارائه‌ی فهمی دقیق و عمیق از مقاصد بیانیه است و چگونه ممکن است که بتوان بایک زبان و نوشته‌ی مغلق و پیچیده به هدف مذکور نائل گشت؟ بنابراین هدف راهبردی این کتاب خود مقتضی این نحوه از نگارش است.

در آخر با ابراز سپاس به درگاه خداوند سبحان، از زحمات استاد گرانقدر و پشتوانه‌ی علمی قانون اندیشه‌ی انقلابی، حضرت آیت الله فرحانی (دام ظلّه) و همچنین تمام کسانی که ما را در ارائه‌ی مطلوب کتاب پیش رو یاری نمودند، خصوصاً طلبه‌ی فاضل و گرانقدر جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای مرتضی هاشمی (که بار اعظمی از تحقیق کتاب را برعهده داشته‌اند) تشکر ویژه و خالصانه نموده و از درگاه رحمت و واسع‌ی الهی توفیقات روزافزون آنان را خواستارم.

۲۲ / بهمن / ۱۳۹۸

عبدالله مجدمی

قم عَش آل محمد

مقدمه

اکنون که ضرورت تبیین دقیق و عمیق مفاد این بیانیه روشن شد سخن را کوتاه کرده و به ذکر چند مقدمه‌ی بسیار حائز اهمیت در این باره می‌پردازیم. مقدماتی که ذیلاً ذکر می‌شوند در واقع پیش فرض‌های علمی بسیار مهم برای تحصیل یک فهم عمیق و روشن از سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام در این بیانیه هستند که به نظر ما بدون فهم و یا باور قلبی به آنها به هیچ عنوان نمی‌توان به عمق مطالب بیانیه‌ی مذکور نائل شد و البته اثبات تفصیلی این مطلب را به جای ویژه‌ی خود موکول می‌کنیم. مقدمات علمی مورد نیاز بحث به شرح زیر می‌باشند:

دو سطح اندیشه‌ی مقام معظم رهبری علیه السلام

اندیشه‌ی مقام معظم رهبری علیه السلام را به یک اعتبار می‌توان دارای دو سطح برشمرد: **الف) سطح بنیادی:** این سطح از اندیشه‌ی ایشان ناظر به معارف نظری اصیلی است که آبشخور تمامی تفکرات تمدنی، راهبردی و عملیاتی ایشان می‌باشد. مسأله‌ی توحید، نبوت، معاد، امامت و ولایت، مهدویت و... از جمله‌ی این اندیشه هاست. کتاب طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن اثر معظم له را می‌توان در این زمینه ارزیابی نمود.

البته باید توجه داشت این به معنای انتزاعی بودن این سطح از اندیشه‌ی ایشان

نمی‌باشد بلکه چنانکه در جای خود بیان خواهد شد، امتداد بخشی به مفاسم بنیادین و بینشهای زیرساختی برمدار راهبرد کارآمد سازی علم، از شاخصه‌های بارز اندیشه‌ی مقام معظم رهبری علیه السلام است و همین است که منظومه‌ی فکری ایشان را نسبت به منظومه‌های دیگر متفکرین مسلمان تا حدودی متمایز می‌نماید.

ب) **سطح تمدنی:** این سطح از اندیشه ایشان (در عین اینکه حقیقتاً بخشی از عرصه‌ی اندیشه و فکر به شمار می‌رود)؛ کاربردی تر، عملیاتی تر و در یک سخن نزدیک‌تر به میدان عمل است. به عنوان مثال مسأله‌ی اقتصاد مقاومتی، استکبار ستیزی، وحدت امت اسلام، عدالت محوری و...، اندیشه‌های راهبردی ای هستند که به عنوان آرمان‌های انقلاب و نظام اسلامی به شمار رفته و البته باید بر روی زمین و در میدان عمل محقق گردند. این سطح از اندیشه‌ی رهبری دارای امتداد حقیقی به میدان عمل و خارج می‌باشد. بیانی‌ی پیش رو حاوی این سطح از اندیشه‌ی مقام معظم رهبری علیه السلام می‌باشد.

دو نحوه‌ی نگرش در تحلیل سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام

بی شک نوع نگاه و زاویه‌ی دید انسان به شخصیت یک فرد، تأثیر مهمی در نوع فهم سخن او، و به دنبال آن باور قلبی اش به آن و التزام عملی بدان دارد؛ و به عبارتی دیگر، ریشه‌ی التزام عملی انسان به سخن یک شخص، میزان باور قلبی او به آن سخن است. و میزان باور قلبی اش هم بستگی به نحوه‌ی نگرش او به شخصیت آن گوینده دارد.

به عنوان مثال هنگامی که ما با سخنان امیر المؤمنین علیه السلام در کتاب شریف نهج البلاغه مواجه می‌شویم، فهم ما از آن تابع نوع نگاه ما به گوینده است. یعنی اینکه که گوینده‌ی این سخن را شخصی واجب الطاعه از جانب خدای متعال ببینیم؛ و عدم التزام عملی به سخنان او را موجب غضب الهی و مستوجب دخول

در جهنم قهر ربوبی. یا اینکه همان شخص گوینده را به عنوان شخصی حکیم و معصوم که به هیچ عنوان امکان اشتباه در حق او وجود ندارد ببینیم.

در نگاه اول، مخاطب، فارغ از نشأت گیری سخنان آن حضرت از حکمت‌های پنهانی، (که اغلب اوقات بر ما پنهان می‌باشند) اساساً ایشان را شخصی «واجب الاطاعه» می‌بیند؛ و خود را به عنوان یک مکلف، موظف به امتثال اوامرو نواهی او؛ چه حکمت آن اوامرو نواهی را با عقل خویش درک کند و چه درک نکند. لازمه‌ی قهری این نحوه‌ی نگرش، این است که ما همیشه همت اصلی خویش را صرفاً بر امتثال اوامرو نواهی وی قرار دهیم، و دیگر برای ما مهم نیست که حکمت آنها چیست. و این نحوه‌ی دید، منجر به تعامل سطحی و کلیشه‌ای با سخنان و نوشته‌های گوینده و نویسنده خواهد شد.

اما نگاه دوم، دیدن گوینده و نویسنده به عنوان شخصی حکیم، اندیشمند و دارای مکتبی فکری است؛ در این صورت حتی اگر او در کلامی وجیز و فرمان گونه چیزی بگوید، ما به دنبال حکمت آن می‌رویم زیرا از او چیزی غیر حکیمانه توقع نداریم. لازمه این تفکر این است که دنبال آن باشیم که جمله جمله بیانات گوینده را با مکتب فکری وی بسنجیم و حکمت آن را دریابیم. که البته باور قلبی و التزام عملی نیز در چنین نگاهی بیشتر و محکم‌تر خواهد بود.

پس روشن شد پشتمانی «التزام عملی» انسان در عمل به یک سخن، به «باور قلبی» او به گوینده آن برمی‌گردد؛ همانگونه که میزان آن «باور قلبی» نیز به «نحوه‌ی نگرش» او به شخصیت آن گوینده بستگی دارد.

با توجه به این مقدمه می‌گوئیم «عمق و دقت فهم»، «میزان باور قلبی» و در نتیجه «التزام عملی» ما از سخنان رهبر انقلاب علیه السلام نیز مستثنی از قاعده‌ی پیش گفته نمی‌باشد و از آنجا که اغلب ما ایشان را صرفاً به عنوان «ولی فقیه لازم الاطاعه» لحاظ می‌کنیم همیشه در برخورد با سخنانشان مبتنی بر «اعتقاد

عقلی» و «باور قلبی» ناشی از «نحوه‌ی دید مذکور» و بدون تفحص در علت‌ها و حکمت‌های آشکار و پنهان اوامرو نواهی ایشان؛ رفتاری بسیار سطحی و کلیشه‌ای را از خود بروز می‌دهیم و لذا همینکه دواعی و انگیزه‌های «عمل» به آن سخن از بین رفت، بیخ «باور قلبی» ما نیز آب شده و در نتیجه افسار «التزام عملی» ما هم سست می‌شود. و اینگونه است که می‌بینیم «التزام عملی» به سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام حتی بین ما «جوانان انقلابی» نیز ضعیف است. که البته منشأ آن «عدم درک عمیق» نسبت به فرمایشات ایشان است نه «غرض ورزی»^۱.

اکنون اگر ما برای یکبار هم شده، زاویه‌ی دید و نحوه‌ی نگرش خودمان را به صورت واقعی (و نه شعاری) نسبت به مقام معظم رهبری علیه السلام تغییر داده و علاوه بر اینکه ایشان را به عنوان «ولی فقیه» لحاظ می‌کنیم، حد اقل در تحلیل بیانی‌های گام دوم ایشان رابه عنوان یک متفکر آگاه به مبانی اسلامی، آشنای به اوضاع جهان اسلام و دانش‌های روز، مسلط بر تاریخ اسلام و انقلاب و تاریخ تمدن غربی نیز ببینیم؛ بی شک فهم عمیق‌تری از سخنان ایشان نه تنها نسبت به این بیانی‌ها بلکه نسبت به سایر سخنان ایشان نیز یافته و در نتیجه «باور قلبی» و «التزام عملی» بیشتری نسبت به این سخنان خواهیم داشت.

به نظر ما تنها با این نحوه‌ی نگرش است که می‌توان به مقام معظم رهبری علیه السلام به عنوان یک متفکر و حکیم بزرگ جهان اسلام نگاه افکند. بنابراین قدم اول در فهم، شرح، باور قلبی و التزام عملی به مفاد بیانی‌های گام دوم، اصلاح نحوه‌ی دید ما به

۱. طبعاً در اینجا غرض از بیان این مطالب «انتقاد» از نحوه‌ی مواجهه‌ی «جوانان انقلابی» با سخنان مقام معظم رهبری نمی‌باشد چه اینکه اولاً این مساله مختص به آنها نیست بلکه خیلی از کسانی که به نحوی «اعتقاد» به ایشان دارند غالباً سخنان ایشان را با این زاویه‌ی دید تحلیل می‌نمایند، و ثانیاً این حقیقت بسیار روشن است که یکی از وفادارترین قشر در طول این دوره‌ی ۴۰ ساله‌ی انقلاب همین «جوانان انقلابی» بوده‌اند. غرض اصلی از مطالب متن ذکر یک اصل معرفتی بسیار مهم درباره‌ی چرایی عدم درک عمیق سخنان مقام معظم رهبری و راه حل این مساله می‌باشد.

شخصیت حقیقی مقام عظمای ولایت علیه السلام است وگرنه بدون آن نمی توان انتظار موفقیت چشمگیری در پیشبرد اهداف آن را داشت.

لزوم تفسیر سخنان مقام معظم رهبری علیه السلام بر اساس مبانی فکری ایشان

یکی از آفتهای بزرگ در شرح بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام بلکه شرح بیانات سایر متفکرین این است که سخنان او بر اساس مبانی فکری سایر متفکرین شرح و توضیح داده شود. طبعاً هر انسان متفکری (و البته در صورتی که آن شخص به معنای واقعی کلمه «متفکر» بوده باشد) مبتنی بر مبانی معرفتی خاص خود (اعم از «جهان بینی» و «ایدئولوژی») سخن می گوید. تمام سخنان یک انسان متفکر ظهور و نمودی از لایه های زیرین تفکر او می باشد که عدم آشنایی کافی با آنها و بدتر از آن، ارجاع آنها به مبانی دیگر متفکرین باعث عدم درک درست آن سخنان و احیاناً بد فهمی آنها می شود.

تصور اینکه مقام معظم رهبری علیه السلام متفکری است که صرفاً از مبانی امام راحل رحمه الله و شهید مطهری رحمه الله تغذیه ی فکری نموده و اینکه ایشان مطلب ابتکاری خاصی در این زمینه ندارند تصویری بسیار خام است که منجر به عدم نیل به حاق مطالب ایشان می شود. منصفانه باید اذعان نمود که ایشان از یک منظومه ی فکری مستقل، منسجم و متمایز نسبت به سایر متفکرین مسلمان همچون امام راحل رحمه الله، علامه ی طباطبایی رحمه الله و شهید مطهری رحمه الله برخوردار است. لذا نباید سخنان ایشان را مبتنی بر منظومه های فکری آن اندیشمندان شرح و تحلیل نمود.

البته این به معنای نبود نقطه ی اشتراک در اصول یا فروع فکری آن متفکرین نمی باشد بلکه بحث در استقلال منظومه ی فکری مقام معظم رهبری علیه السلام نسبت به سایر متفکرین مسلمان است. اگر چه بتوان همه ی آنان را ذیل عنوان «مکتب امام» یا «مکتب اسلام انقلابی» جمع نمود.